

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!

فرا رسیدن اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران را به زنان و مردانی که به اردوی کار و زحمت تعلق دارند، تبریک و شاد باش می گوئیم و به عزم استوار و پایدارشان در مبارزه علیه اردوی تاریک اندیشی، ستم و استثمار طبقاتی سرمایه درود می فرستیم.

اول ماه مه امسال در شرایطی فرا می رسد که نئولیبرالیسم بخش غالب جهان را تحت سیطره خود در آورده است. حرکت سرمایه آنجا که قهر اقتصادی کارآئی ندارد با قهر فرا اقتصادی و جنگ، موانع ورود خود را در هم شکسته است. سوسیال دموکراسی و برنامه "رفاه اجتماعی" آن، سنگر به سنگر در برابر نئولیبرالیسم عقب نشسته و تعرض به دستاوردهای اجتماعی که محصول ده ها سال مبارزه محرومان جامعه بوده، به طور لجام گسیخته در دستور دولت های سرمایه قرار گرفته است. کشورهای بلوک شوروی سابق یکی پس از دیگری به اردوی سرمایه پیوسته اند و شرایط داخلی خود را متناسب با دستورات نئولیبرالیسم آماده می سازند. ظاهراً به قول مارگارت تاچر در برابر لیبرالیسم "بدیلی وجود ندارد" و بشریت به "پایان تاریخ" رسیده است.

تعرض به سطح زندگی مردم و اجرای نئولیبرالیسم اما با تمکین و تسلیم اردوی کار و زحمت و بشریت ترقی خواه توأم نبوده و موجی از مقاومت را در چهار گوشه جهان از سیاتل تا جنوا، از نیویورک تا پاریس، از دهلی تا پورتو الگره ... در برابر حملات نئولیبرالیستی برانگیخته است.

شکل گیری جنبش های ضد سرمایه داری، ضد جهانی شدن به روایت نئولیبرالی، فوروم های اجتماعی نشان میدهند که بانوی آهنین سرمایه آرزوی خود را به جای واقعیت نشانده است و درست منطق خود سرمایه است که زمینه های مقاومت در برابر سرمایه را فراهم می سازد.

تعرض نئولیبرالی در کشور ما به شکل ابتر و کژدیسه و به شیوه وحشیانه و در کمال بدوی گری خود به پیش رفته است. تغییر مالکیت واحدهای تولیدی و اموال عمومی - دولتی نه تنها به سمت بخش خصوصی نبوده بلکه غالباً به ثمن بخش و به شکل غارتگرانه آن به طبقه سیاسی یعنی آقا زاده ها، بنیاد ها و پاپوران حکومتی بخشیده شده است. این تغییر مالکیت به لحاظ حقوقی تأثیرات بسیار مخربی بر روابط کار و سرمایه بر جای نهاده است. رکورد و تعطیلی واحدهای تولیدی تنها یکی از نتایج مخرب این شیوه از خصوصی سازی در کشور ما محسوب می شود.

عدم اختصاص اعتبار به واحدهای تولیدی، عدم نوسازی وسایل تولید، ورود بی رویه کالاهای مشابه تولیدات داخلی...، کارخانه ها و واحدهای تولیدی کشور را یکی از پس از دیگری دچار بحران ساخته است. اگر در بم بر اثر زلزله طبیعی 50 هزار انسان به کام مرگ فرو رفته اند، بر اثر اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی فقط در بخش خدمات نساجی کشور ما، بیش از 500 هزار کارگر به خاک سپاه نشانده شده است. تأثیرات زیانبار اجرای سیاست تعدیل اقتصادی فقط به رکود و تعطیلی واحدهای اقتصادی منحصر نمی گردد، بلکه علاوه بر آن دامن سیستم قرار دادهای کار، نظام حمایتی بیمه ها، تأمین اجتماعی، دستمزدها... را هم در بر می گیرد و همه دستاوردهای تکنونی بخش کارگری را یکی پس از دیگری در هم می شکنند.

جنبش کارگری کشور ما هم در برابر این تهاجم غیر انسانی و مهار گسیخته، نه تنها زانو نزده است بلکه با تمام قوا از خود مقاومت نشان داده است. می توان بر ضعف ها و نارسایی ها و کمبودهای این مبارزه بحث کرد و آنها را خاطر نشان ساخت، اما در باره نقش مقاومت و دفاع از موجودیت جنبش کارگری تردیدی نمی توان روا داشت. در کشور ما جنبش کارگری نه تنها مبارزات خود را از سطح قانونی به سطح فراتقانونی ارتقاء داده، بلکه از محدوده واحدهای تولیدی به خارج از آن انکشاف بخشیده است. بع علاوه اکنون چند سال است که همه گردان های جنبش کارگری نظیر معلمان، پرستاران، بازنشستگان، بیکاران ... دست به مبارزه می زنند و وارد میدان نبرد شده اند. جنبش کارگری اما کماکان از شبکه های ارتباطی بین بخش های مختلف خود، از اراده عمومی و سراسری و از یک تشکل مستقل از دولت و احزاب محروم مانده است. گسترش مبارزات فراتقانونی، رشد دم افزون اعتراضات و اعتصابات، راهبندان و تجمع در جلوی نهادهای دولتی دست مایه امید بخش و مبارکی

است که زمینه های شکل گیری تشکل سراسری کارگری را نوید می دهد. این روند مساعد در کنار بحران هویت نهادهای کارگری رژیمو نیز فشار سازمان های بین المللی، در مجموع عوامل مساعدی را تشکیل می دهند که زمینه سازمانیابی کارگری را فراهم می سازند.

آنچه جنبش کارگری در شرایط کنونی به آن نیاز دارد رادیکالیزه کردن اشکال مبارزه نیست، سازماندهی ساختارهای میانجی و ارتباطی است که همه بخش های جنبش کارگری را به هم متصل کند. آنگاه که "پرومته" وارد میدان شود، اشکال مناسب مبارزه خود را سازمان می دهد. هم اکنون ابتکار و اشکال جالب توجهی از همبستگی در میان کارگران متولد شده که طلیعه نوید بخشی است که در امتداد و ارتقاء خود می تواند پایه های تشکل سراسری کارگران را فراهم آورد. جنبش چپ ایران با تشریح منطق عمومی سازماندهی، با انتقال تجارب جنبش کارگری سایر کشورها می تواند نقش موثری در راستای دستیابی به این هدف ایفا کند.

در شرایط کنونی سازمانیابی در مقیاس سراسری، به اعتماد بخش های مختلف جنبش کارگری، به اراده و آگاهی جنبش چپ، کارگران پیشرو و روشنفکران مدافع طبقه کارگر بستگی دارد.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)